

## ضرورت معرفی و درج جدول نشانه‌های آوایی در فصلنامه حوزه

### فرهنگ مردم

سید علیرضا هاشمی<sup>۱</sup>

#### چکیده

در علم زبان‌شناسی آوانویسی واژه‌ها با آوانگاری و جدول نشانه‌های آوایی، برای صحیح خواندن کلمات، جاینام‌ها و واژه‌های خاص و گویشی استفاده می‌شود. معمولاً در فصلنامه‌های ویژه جغرافیایی، فرهنگی، مردم‌شناسی، فرهنگ‌مردمی، عشایری و برخی دیگر از نشریات موضوعی و تخصصی بر آوانویسی واژه‌ها تأکید می‌شود و جدول مخصوصی در ابتدای نشریه، برای اطلاع و استفاده نویسندگان مقاله درج می‌گردد. در مقاله حاضر ضمن بیان ضرورت، اهمیت، پیشینه و نشانه‌های آوایی و آوانگاری، ترسیم جدول نشانه‌های آوایی با قواعد و ضوابط یکسان از سوی زبان‌شناسان و متخصصان بین‌رشته‌ای پیشنهاد می‌شود تا از تشتت و چندگانگی ضبط کلمات، جاینام‌ها، واژگان خاص و گویشی به زبان فارسی در مقالات جلوگیری شود در صحیح خوانی و بیان درست آنها سهولت ایجاد گردد.

کلیدواژه‌ها: آوانگاری، آوانویسی، جدول برگردان آوایی، خط آوانگاری، نشانه‌های آوایی

---

۱. دانشجوی دکتری فولکلور در تاجیکستان و پژوهشگر فرهنگ عامه، رایانامه: 400hashemi@gmail.com

## ۱۴۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

### مقدمه

در حال حاضر تعداد انگشت‌شماری فصلنامه با موضوعات انسان‌شناسی، مردم‌شناسی، جغرافیای انسانی و موضوعات مربوط به فرهنگ و فرهنگ‌عامه (فولکلور)؛ به صورت شخصی (خصوصی)، سازمانی (دولتی) و از سوی مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی به چاپ رسیده و برخی از آنها نسخه الکترونیکی فصلنامه منتشر شده را در وبگاه مربوط بارگذاری نموده‌اند.

این فصلنامه‌ها که برخی از آنها نیز دارای رتبه علمی - پژوهشی هستند، مقالات تخصصی این حوزه را در قالب فصلنامه انتشار می‌دهند و خوانندگان خاص خود را دارند. این فرهیختگان خواننده علاوه بر ایران، سایر کشورهای جهان را نیز شامل می‌گردد. «فرهیختگی خوانندگان» (فصلنامه چاپی) و «گستره جهانی بازدیدکنندگان» (انتشار در فضای مجازی)، مطالب و مقالات این فصلنامه‌ها را به طور ویژه و دست‌اندرکاران اجرایی، مدیران، اعضاء، داوران و نویسندگان آن را به صورت مستمر به یک وسواس علمی در ارزیابی، انتخاب و نگارش مقالات و مطالب سوق داده است. اما آنچه مسلم است اینکه روند استمرار و تکامل یک فصلنامه با ارائه ایده‌های جدید و کارآمد، صبغه علمی و تخصصی آن را دوچندان می‌سازد. ازاین‌رو، معرفی و درج جدول نشانه‌های آوایی همسان در ابتدای فصلنامه‌ها برای آگاهی نویسندگان مقالات از روش و دستورالعمل آوانگاری فصلنامه، پژوهشگران و نویسندگان را با نگارش صحیح این کلمات در مقالاتشان همراه می‌سازد. مقاله حاضر در تلاش است با توصیف این موضوع به‌عنوان یکی از مقولات مهم زبان‌شناسی، به اهمیت استفاده آن در مقالات فرهنگ‌مردمی و حوزه‌های مشابه تأکید کند.

### طرح مسئله

هنگامی که کتاب یا مقاله‌ای را به خط فارسی مطالعه می‌کنیم، معمولاً نام اشخاص و مکان‌ها را به زبان انگلیسی یا فرانسه در کنار نام و مکان یا در پانویس آن صفحه

### ضرورت معرفی و درج جدول نشانه‌های آوایی در فصلنامه حوزه فرهنگ مردم ❖ ۱۴۳

می‌بینیم. این عمل سهولت خواندن و تلفظ آن را برای خواننده به دنبال دارد. از این رو، با این عمل «بسیاری از واژه‌ها علاوه بر تلفظ خود در زبان نوشتاری - یعنی آن طور که در هنگام خواندن متن نوشتاری ادا می‌شود - تلفظ خود در زبان گفتاری را نیز منعکس می‌کند.» (دیهم، ۱۳۷۹: ۱۷)

اما این موضوع، در خصوص اسامی، نام مکان‌ها، نام اشیاء و اسامی خاص بومی و روستایی که با گویش و لهجه همراه است، شکل دیگری پیدا می‌کند؛ با به کارگیری علم زبان‌شناسی و با استفاده از نشانه‌های آوایی، واژه‌های بومی برای صحیح خواندن، آوانویسی می‌شوند. معمولاً در مجلات ویژه جغرافیایی، فرهنگی، فرهنگ مردمی، عشایری و برخی دیگر از مجلات موضوعی و تخصصی، بر آوانویسی واژه‌ها تأکید و جدول ویژه‌ای در ابتدای فصلنامه، برای آگاهی و اطلاع نویسندگان مقاله درج می‌شود. هدف از درج جدول نشانه‌های آوایی، به دست دادن قواعد و ضوابطی است که با استفاده از آنها بتوان از تشتم و چندگانگی ضبط کلمات، جاینام‌ها، واژه‌های خاص و گویشی به زبان فارسی در مقالات جلوگیری کرد.

به نظر می‌آید در صورتی که توافقی بر یک جدول «نشانه‌های آوایی» با همفکری مدیران محترم فصلنامه‌های با موضوع فرهنگ مردمی و موضوعات مشابه و مدیران محترم سایت‌های موضوعی مرتبط و بویژه اساتید و پژوهشگران محترم زبان‌شناس صورت پذیرد و این جدول در صفحات آغازین فصلنامه‌ها قرار گیرد، دسترسی نویسندگان مقالات به جدول نشانه‌های آوایی و دستورالعمل چگونگی استفاده از آن آسان می‌شود.

تکنگاری‌ها، تحقیقات عشایری، روستایی، مردم‌شناسی، جغرافیای انسانی و سایر تحقیقاتی که محقق انجام می‌دهد، انباشته از اسامی، جاینام‌ها و واژگان بومی است که امکان دارد به علت اطلاع نداشتن خوانندگان، این متون با دشواری و در مواقعی با نادرست‌خوانی و ابهام در تلفظ مواجه شود.

از سوی دیگر، گستره تنگ «واکه» (مصوت) در نمایش الفبایی این واژگان در فارسی و مهم‌تر از آن، همراه نبودن این حرکت‌ها با حروف الفبا، چیزی است که در همه زبان‌های لاتین وجود دارد (عین واکه‌ها در شکل حروف به درون الفبا راه یافته‌اند و هر واژه

۱۴۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

صدای خود را در نوشتار به همراه دارد<sup>۱</sup>، ما را به بن‌بستی می‌کشاند که تنها راه گریز از آن، بهره‌گیری از «نمادنویسی آوایی جهانی» است؛ کاری که پیشگامان فرهنگ‌نویسی نوین فارسی؛ همچون دکتر محمد معین در «فرهنگ فارسی» و دکتر عبدالحسین مصاحب در «دائرةالمعارف فارسی» هریک، به گونه‌ای به آن دست یازیدند. (جلالی، ۱۳۷۹: ۹)

برخی دانش‌آموختگان و دانشجویان در خواندن اسامی مکان‌هایی همچون سیلک، ورسک، دیر، گواتر، خوسف، یدی‌بلوک و گرمی با دشواری مواجه می‌شوند. حتی مراکز رسمی نیز گاه در نوشتن این اسامی دچار مشکل می‌شوند؛ برای مثال «بیگان» نام یک آبادی است در باختر شهر «شیروان» و نزدیک به جاده آسیایی؛ روی این تابلو و در زیر نام فارسی آن نگاشته شده است: Bigan. در حقیقت تابلوگذاران راه و ترابری در نوشتن حروف انگلیسی آن سر در گم بوده‌اند؛ چراکه اگر قصد انگلیسی‌نگاشت این نام بود - آن گونه که بومیان این آبادی بر زبان می‌رانند - باید همان اسم مفعول (p.p) فعل «آغازیدن» در انگلیسی، یعنی bigun را می‌آوردند و اگر هدف آوانگاشت این جاینام بود باید به صورت bigân نوشته می‌شد. از آنجا که پاره‌ای از حروف فارسی برابر نهاده‌ای در انگلیسی ندارند، این مورد در نقشه‌ها و تابلوها دو گونه‌نویسی شده‌اند، مثل «ق» در قم (Qom) و «ق» در قائمشهر (Ghaemshahr)؛ یا در بهره‌گیری از یک واکه برای دو آوای گوناگون؛ مانند آ و آ در اراک (Arak)، که آوانگاشت درست آن arâk است (همان: ۱۰). این موضوع وقتی پیچیده‌تر می‌شود که با گویش‌ها و زبان‌های مختلف ترکی، کردی، عربی و... در کشور مواجه شویم؛ چراکه با توجه به دیگرگونه بودن آواهای این زبان‌ها در فارسی، آوانویسی آنها چندان آسان نیست. برای نمونه نام آبادی «سوزش» با انگلیسی‌نگاشت «Suzesh»، که خواندن آن این گونه نیست. در

۱. در فارسی، ما فقط مصوت‌های کوتاه را بنا به عادت در واژه‌ها نمی‌نویسیم و گرنه این واکه‌ها در سامانه نوشتار فارسی وجود دارند. به خوبی هم می‌دانیم در زبان‌های لاتین (حداقل در فرانسه و انگلیسی) این که «همیشه هر واژه صدای خود را در نوشتار به همراه دارد»، بیشتر باوری عامیانه است تا نگاهی علمی. برای مثال فقط لازم است به نویسه a در دو واژه انگلیسی table و about نگاه کنیم و ببینیم که این نویسه همیشه آوای واحدی را نشان نمی‌دهد و بنا به جایگاهش در واژه تغییر می‌کند. در این موارد، نبود پیوند استوار و یگانه میان آوا و نویسه در زبان فرانسه از این هم آشکارتر است (به نقل از دکتر حافظیان).

## ضرورت معرفی و درج جدول نشانه‌های آوایی در فصلنامه حوزه فرهنگ مردم ❖ ۱۴۵

صورتی که واژه سوزش از ترکی اخذ شده است و هیچ ارتباطی به «سوختن» فارسی ندارد و تلفظ آن «سوزش» و با آوانگاشت süziš به معنی «به آرامی روان شدن/ بودن» است.<sup>۱</sup>

بنابراین با آوانگاری هر کلمه می‌توان آن را صحیح خواند؛ همان‌گونه که کلمه «آب» در ایران باستان p و pi و در فارسی میانه یا پهلوی k بود و از میان زبان‌های کنونی ایرانی، در فارسی معاصر b، در تاجیکی ob، در تالشی ov، در کردی v، در تاتی ou، در بلوچی ap و در افغانی ova تلفظ می‌شود (محمدزاده صدیق، ۱۳۵۴: ۴۱). بر این اساس بسیاری از واژه‌ها علاوه بر تلفظ خود در زبان نوشتاری (یعنی طوری که هنگام خواندن متن نوشتاری ادا می‌شود)، تلفظ خود را در زبان گفتاری نیز منعکس می‌کنند (دیهم، ۱۳۷۹: ۱۷)، مانند تأویل (ta'vil) و مبعث (mab'as)؛ که انجام این کار در سریع خواندن جملات و صحیح خواندن متن کمک می‌کند.

آواشناسان از مدت‌ها پیش می‌دانستند که برای نشان دادن خصوصیات تولیدی صدا، به طور واضح، نمی‌توان از نظام خطی سنتی استفاده کرد. در انگلستان، در قرن شانزدهم سِر توماس اسمیت<sup>۲</sup>، با انجام اصلاحاتی در یک نظام خطی، از آن به‌عنوان نشانه‌های آوایی بهره گرفت. برای مثال او واژه «charity» را به صورت «carite» و واژه cheese را به صورت «cēs» نوشت. اما در قرن نوزدهم با فزونی گرفتن علاقه آواشناسان به تحقیقات لهجه‌شناسی، نیاز به نظام‌های دقیق برای نشان دادن گفتار احساس شد. در بریتانیا نظام‌های نشانه‌گذاری الکساندر ملویل بل<sup>۳</sup>، بویژه نظام «گفتار مشهود» او (۱۸۶۷) ابزار نشانه‌ای دقیقی برای پژوهشگران رشته آواشناسی فراهم ساخت. کمی قبل از وی، در اروپا تحقیقات ریچارد لپسیوس<sup>۴</sup>، دانشمند آلمانی، به انتشار الفبای معیار در سال ۱۸۵۵ منجر شد؛ نظامی که مورد استفاده بسیاری از آواشناسان و زبان‌شناسان

۱. البته این دوگانه‌نویسی الفبایی در همه جا وجود دارد. در پژوهشی که درباره واژگان‌نامه روبر به زبان فرانسه توسط اینجانب شده است (به نقل از دکتر حافظیان)، اندکی بیش از ۸۳۰ سرواژه درج شده داریم.

2. S. T. Smith

3. A. Bell

4. R. Lepsius

## ۱۴۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

توصیفی، بویژه مبلغان مذهبی آفریقا و خاور دور قرار می‌گرفت. با وجود این، بسیاری از حروف آوایی امروزه را باید در کار عده‌ای از معلمان زبان و آواشناسان شمال و غرب اروپا جستجو کرد. الفبای بین‌المللی آواشناسی در اواخر دهه ۱۸۸۰ شکل گرفت و اکنون روشی معیار برای آوانگاری به شمار می‌رود. در این الفبا، در قرن اخیر، اصلاحات زیادی به عمل آمده است. (مک‌موان و فیوج، ۱۳۷۳: ۲۲)

## نشانه‌های آوایی و آوانگاری

نظام نوشتاری الفبایی بسیاری از زبان‌ها، نه تنها انسان را بر آن می‌دارد که تصور کند گفتار از قطعات آوایی منفصل تشکیل شده؛ بلکه باعث به وجود آمدن اصطلاحاتی مانند «همخوان» و «واکه» نیز شده است. شایان ذکر است اگر چه این اصطلاحات در آواشناسی به کار می‌رود، اما بر حسب خصوصیت‌های خود آواها توصیف می‌شوند و نه با اشکال حروف الفبا در نظام نوشتاری. برای مثال از دیدگاه نظام نوشتاری زبان انگلیسی، حرف «y» در آخر واژه happy یک همخوان است، در حالی که این صدا از دیدگاه آوایی یک واکه است، یا حرف «e» در آخر واژه above یک واکه نوشتاری است. اما در گفتار، در این واژه خاص فاقد ارزش است زیرا بعد از «v» صدایی به تلفظ در نمی‌آید. بنابراین، باید میان صداهایی که بر حسب حروف الفبا، به طور غیر عملی توصیف می‌شوند و صداهایی که به طور عملی از دیدگاه آواشناختی توصیف می‌گردند، تمایز دقیق قایل شد. از این رو، می‌توان نشانه‌هایی برای صداها تعیین کرد. این نشانه‌ها ارزش خطی ندارند بلکه ارزش آوایی دارند؛ اگر چه ممکن است شکل آنها مانند حروف نوشتاری بعضی از زبان‌ها باشد. (همان: ۲۱)

## الف) لزوم استفاده از خط آوانگاری

برای اینکه بتوان آواشناسی کلمات را به صورت نوشته عرضه کرد، به دستگاه الفبایی‌ای نیاز است که آواشناس و محقق با استفاده از آن، آواهای زبان را طوری بنویسد که جز با یک تلفظ خوانده نشود. این کار را نمی‌توان با کمک الفباهای موجود انجام داد؛ زیرا این نکته به صورت یک واقعیت عمومی پذیرفته شده است که همه

## ضرورت معرفی و درج جدول نشانه‌های آوایی در فصلنامه حوزه فرهنگ مردم ❖ ۱۴۷

الفباهای موجود عموماً کمبودهایی دارند که از عهده ضبط دقیق زبان‌ها بر نمی‌آیند. این کمبودها می‌تواند از انواع زیر باشد:

۱. ممکن است یک آوا با چند نشانه نوشته شود؛ برای مثال در الفبای فارسی آوای (z) را به صورت‌های «ز»، «ض» و «ظ» می‌توان نوشت؛ یا در الفبای انگلیسی صدای (i:) را می‌توان دست‌کم به صورت‌های «ee»، «i»، «ea»، «eo» و «e» نوشت؛ چنانکه در کلمات زیر نشانه‌های فوق همگی برای نوشتن (i:) به کار رفته‌اند: «see»، «machine»، «sea»، «people» و «Pete».

۲. ممکن است چند آوا با یک نشانه نوشته شود؛ برای مثال در الفبای فارسی آواهای «u,v» و «o» را همه با نشانه «و» می‌توان نوشت؛ مانند واژگان «سوار»، «سود» و «تو» یا در انگلیسی آواهای (s) و (k) را می‌توان با نشانه «c» نوشت، مانند واژه‌های «cat» و «receive».

۳. گاهی ترکیب چند نشانه با هم برای نمایاندن یک آوا به کار می‌رود، برای مثال در فارسی اغلب ترکیب نشانه‌های «خ» و «و» برای آوای (x) به کار می‌رود؛ چنانکه در واژه‌های «خویش» و «خواب» دیده می‌شود. یا در انگلیسی از ترکیب «c» و «h» برای نشان دادن آوای «ch» استفاده می‌شود؛ چنانکه در واژه church مشاهده می‌شود.

۴. ممکن است دو آوای متوالی با یک نشانه نمایانده شوند؛ برای مثال در انگلیسی اغلب توالی آواهای «k» و «s» را با نشانه «x» می‌نویسند، مانند کلمه «box».

۵. گاهی یک یا چند آوا در نوشتار نمایانده نمی‌شود؛ برای مثال در فارسی آواهای «e,a» و «o» در وسط نشانه ندارند، مانند واژگان «سر»، «مهر» و «پر».

۶. گاهی نشانه‌های نوشتاری نمایانگر هیچ آوایی نیستند؛ برای مثال نشانه‌های «gh» و «k» در کلمات انگلیسی «thought» و «know» ارزش آوایی ندارند.

## ۱۴۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

اینها نمونه‌هایی از کمبودهای الفباهای موجود هستند؛<sup>۱</sup> با این همه، همین اندازه کافی است که نشان‌دهند الفباهای موجود تا چه حد در نشان دادن تلفظ دقیق گفتار درمی‌مانند. (حق‌شناس، ۱۳۵۶: ۲۴، ۲۳)

از این رو، در آواشناسی برای آنکه آواهای زبان را به‌طور دقیق و نظام‌یافته بنویسیم، لازم است دستگاه الفبای ویژه‌ای را برای این منظور برگزینیم؛ الفبایی که بتوان با آن تلفظ دقیق گفتار را نشان داد.

## ب) اصول خط آوانگاری

از آنجا که به ضرورت استفاده از خط آوانگاری اشاره شد، در اینجا به بررسی اصولی پرداخته می‌شود که خط آوانگاری بر آنها بنیاد شده است. این اصول عبارت‌اند از:

۱. در خط آوانگار، هر نشانه‌ای همیشه و همه‌جا فقط برای نمایاندن یک آوا به کار می‌رود؛ به عبارت فنی‌تر. نشانه‌های الفبای آوانگار دارای ارزش‌های ثابت و مشخصند.
۲. در خط آوانگار، هر آوایی همیشه و همه‌جا با یک نشانه نوشته می‌شود؛ حتی اگر برای یک آوا دو نشانه اختیاری وجود داشته باشد، باید یکی از آن دو را اختیار کرد و آن را همواره در سرتاسر گزارش به کار برد. برای مثال برای نمایاندن آوایی که در فارسی به صورت «چ» نوشته می‌شود، دو نشانه ( ) و ( ) وجود دارد. آواشناس موظف است یکی از این دو را به اختیار برگزیند و همیشه و همه‌جا از همان استفاده کند.
۳. در گزینش نشانه‌های آوانگاری سعی می‌شود از نشانه‌های مأنوس و آسان که یاد گرفتن و نوشتن آنها دشوار نیست، استفاده گردد. برای نمونه از دو نشانه‌ای که در پاراگراف پیشین ذکر شد، نشانه ( ) برای اهل فن، علاوه بر اینکه مأنوس‌تر و آسان‌تر است و یادگیری و چاپ آن نیز امکان‌پذیرتر می‌باشد.

---

۱. چون سامانه نوشتاری زبان‌های طبیعی (نه زبان‌های برساخته چون اسپرانتو)، ادامه تحولی تاریخی است؛ گفتن از کمبود شاید درست نباشد. البته می‌توان از ناکارآمد بودن این یا آن الفبا برای آوانویسی (آن هم نوع جهانی‌اش) آواهای زبان‌های جهان گفت (به نقل از دکتر حافظیان).



#### ضرورت معرفی و درج جدول نشانه‌های آوایی در فصلنامه حوزه فرهنگ مردم ❖ ۱۴۹

۴. در آوانویسی سعی بر آنست تا جایی که مقدور است، از نشانه‌های مرکب برای یک آوا استفاده نشود؛ و اگر برای آوایی دو نشانه وجود داشته باشد که یکی مرکب و دیگری بسیط باشد، بهتر است از نشانه بسیط استفاده کرد؛ همانگونه که در بالا آمد، برای آوایی که در فارسی به حرف «چ» نشان داده می‌شود از بین دو نشانه موجود، نشانه « » بر دیگری اولویت دارد.

۵. هرگاه مجبور شویم برای نشان‌دادن آوایی، از نشانه جدیدی در آوانویسی خود استفاده کنیم، باید در آغاز کار ارزش آوایی آن نشانه جدید را به طور دقیق توصیف کنیم و به آن نشانه جز یک ارزش آوایی ندهیم. باید افزود که استفاده از نشانه جدید در صورتی مجاز است که در خط آوانگار برای آوایی که قصد نوشتن آن را داریم، نشانه‌ای وجود نداشته باشد.

۶. آواشناس باید در استفاده از دو یا چند الفبای آوانگار پرهیز کند تا از آشفتگی و سردرگمی بیهوده جلوگیری شود.

۷. برای تفکیک آوانویسی از نوشته عادی معمولاً آوانویسی را در [ ] قرار می‌دهند.

(همان: ۲۵، ۲۶)

#### پ) نشانه‌های خط آوانگار

در آواشناسی همگانی سعی بر آنست تا توانایی انسان در زمینه تولید و دریافت آوایی که ممکن است در زبان‌های گوناگون به کار رود توصیف شود و آوایی مورد مطالعه و توصیف قرار گیرند که در هیچ‌یک از زبان‌هایی که برای هر خواننده‌ای آشناست به کار نرود. اما از آنجا که توانایی آوایی انسان نامحدود است، آواشناسی سعی نمی‌کند هر یک از آواهای ممکن را جداگانه توصیف کند، بلکه می‌کوشد روش، نظام، قواعد و الگوهایی را عرضه کند که بتوان با استفاده از آن هر صدایی را توصیف نمود (همان: ۱۲). با این حال چون عملاً نمی‌توان برای هر آوایی یک نشانه معین کرد، برای رفع این اشکال در آواشناسی به وجود دو نوع نشانه قایل شده‌اند. که عبارت‌اند از:

۱. نشانه‌های حرفی: این دسته از نشانه‌ها همانند حروف الفبای [انگلیسی] معمولی هستند و هنگام نوشتن در کنار هم زنجیروار قرار می‌گیرند. نشانه‌های «b و p» و «c» از این نوعند.

۲. نشانه‌های زیروزبری: این دسته از نشانه‌ها لزوماً در کنار نشانه‌های حرفی و در زنجیره نوشتار قرار نمی‌گیرند؛ بلکه مانند زیروزبر در فارسی، بالا، زیر و پهلوی نشانه‌های حرفی نوشته می‌شوند. نشانه‌های (،)، (˘)، و (:) در شمارنشانه‌های زیروزبری هستند. این نشانه‌ها نیز ارزش ثابت دارند.

با ترکیب متوالی این دو نوع نشانه با هم می‌توان تا حد بسیار زیادی مشکل کمبود نشانه حرفی را در آوانویسی حل کرد، بویژه با توجه به اینکه هر نشانه حرفی را می‌توان با بیش از یک نشانه زیروزبری ترکیب نمود؛ برای مثال (b) را که نشانه حرفی است، می‌توان با (:) ترکیب کرد و به صورت «b:» نوشت نشانه اخیر ارزشی متفاوت از نشانه‌های «b» و (:): خواهد داشت. علاوه بر این، دستگاه الفبای آوانگار را باز نگاه داشته‌اند تا آشناسان بتوانند، چنانچه ضرورت ایجاب کند، از نشانه‌های خودساخته تازه‌ای - با توجه به اصول آن - در آوانویسی خود استفاده کنند (همان: ۲۷، ۲۸). اما دشواری هنگامی آشکار می‌شود که پی‌بیریم برای نگارش آواهای زبان، علاوه بر نشانه‌های متداول الفبای لاتین، دست‌کم به حدود نود نشانه آوانگار اضافی نیاز پیدا می‌شود که دستیابی به این همه نشانه اضافی، آن‌هم در شرایطی که برای این کار چندان سنتی وجود نداشته است، بی‌نهایت دشوار خواهد بود. (همان: پیشگفتار)

## برگردان آوایی<sup>۱</sup> و آوانگاری<sup>۲</sup>

هرگاه در برگرداندن الفبایی به الفبای زبان دیگر تنها به تلفظ کلمات و جملات توجه داشته باشیم و همان تلفظ را با حروف الفبای زبان دیگر ثبت کنیم، در حقیقت آوانگاری کرده‌ایم. در این حالت، این مسئله پیش می‌آید که، هر چند تلفظ درست نقل

1. translittération

2. transcription

## ضرورت معرفی و درج جدول نشانه‌های آوایی در فصلنامه حوزه فرهنگ مردم ❖ ۱۵۱

شده است، اما نمی‌توان از روی صورت «برگشته»، صورت نوشتاری اصلی را باز یافت؛ به این معنی که «برگشت‌پذیری» وجود ندارد. برای «خواهر» که در آوانویسی به صورت xâhar است، در «برگشت» به صورت «خاهر» ظاهر می‌گردد. «سازمان بین‌المللی استاندارد»<sup>۱</sup> اصطلاح transcription را چنین تعریف می‌کند: «فرایند ضبط عناصر واجی یا تک‌واژی یک زبان با استفاده از دستگاه الفبایی خاص.» (ISO:1954 به نقل از صدیق بهزادی، ۱۳۷۵: ۷۳)

اما نویسه‌گردانی (حرف‌نگاری یا حرف‌نویسی یا آوانگاری) شیوه‌ای است که در آن یک حرف از یک نظام نوشتاری را با حرفی از نظام نوشتاری دیگر نشان می‌دهیم و آن، در واقع نمایش یا نوشتن لغات و حروف یک زبان با حروف یا الفبای زبان دیگر است. در نویسه‌گردانی، صورت نوشتاری کلمات و جملات مورد نظر است؛ به طوری که در صورت لزوم به آسانی بتوان از روی نویسه‌گردانی شده، صورت نوشتاری اصلی را بازسازی کرد، بنابراین ارزش آن در همان «برگشت‌پذیر» بودن است. اما دشواری کار در آن است که گاه تلفظ کلمه پس از برگردان، سخت دگرگون می‌گردد، برای مثال eight در نویسه‌گردانی به الفبای فارسی ایگهت نوشته می‌شود. سازمان بین‌المللی استاندارد transliteration را چنین تعریف می‌کند: «فرایند ضبط نمادهای نوشتاری یک نظام الفبایی با استفاده از نمادهای نوشتاری متناظر در دستگاه الفبایی زبان دیگر.» در دایرة‌المعارف زبان و زبان‌شناسی، ذیل transliteration نویسه‌گردانی چنین آمده است: «فرایند ضبط نشانه‌های موجود در یک نظام نوشتاری بر حسب نشانه‌های موجود و متناظر آن در نظام نوشتاری دیگر.» (The Encyclopedia of Language and Linguistics, 1994 به نقل از همان: ۷۴)

### جدول‌های آوانگاری

در کتابچه جامع تدوین اطلس (مستندسازی، پایگاه داده‌ها، نقشه) طرح ملی اطلس زبانی ایران (۱۳۸۵) دو جدول آورده شده است (نک: یدالله پرمون، ۱۳۸۵: ۱۰۹). در جدول شماره یک این کتابچه، برخی نمادهای همخوانی ویژه نمایش عناصر آوایی در

1. International Organization for Standardization (ISO)

۱۵۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

گونه‌های زبانی ایران نوشته شده که برگرفته از فهرست‌های نمادهای همخوانی و جدول نشانه‌های زیروزیری الفبای آوانگاری بین‌المللی آی.پی.ای<sup>۱</sup> (ویراست ۱۹۹۶) است. از این رو، برای اطلاع بیشتر به دو نمونه از آنها اشاره می‌شود:

مثال			توصیف آوایی	نماد	ردیف کتابچه
گونه زبانی دربردارنده	آوانوخته تفضیلی	معادل نوشتاری			
فارسی معیار	[ ]	«پدر»	انفجاری دولبی بیواک دمیده	[ ]	۱
فارسی معیار	[ ]	«توت»	انفجاری دندان‌لثوی بی‌واک نادمیده	[ ]	۴

در جدول شماره دو این کتابچه (نک: یدالله پرمون، ۱۳۸۵: ۱۱۳) نیز برخی نمادهای واکه‌ای ویژه نمایش عناصر آوایی مشاهده شده در گونه‌های زبانی ایران آمده که برگرفته از الفبای آوانگاری بین‌المللی آی.پی.ای است. دو نمونه از نمادهای واکه‌ای این جدول به قرار زیر است:

مثال			توصیف آوایی	نماد	ردیف کتابچه
گونه زبانی دربردارنده	آوانوخته تفضیلی	معادل نوشتاری			
فارسی معیار	[s i̯]	«سینی»	بسته پیشین سخت گسترده	[i]	۱
فارسی معیار	[sec é]	«سکه»	نییم بسته پیشین سخت خنثا	[e]	۴

همانطور که مشاهده می‌شود معادل آوانویسی تفضیلی کلماتی چون «پدر»، «توت»، «سینی» و «سکه» مطابق الفبای آوانگاری بین‌المللی آی.پی.ای بسیار دشوار است و علاوه بر نشانه‌های متداول الفبای لاتین، دست‌کم به تعداد زیادی نشانه آوانگار اضافی

1. International Phonetic Alphabet (IPA)

### ضرورت معرفی و درج جدول نشانه‌های آوایی در فصلنامه حوزه فرهنگ مردم ❖ ۱۵۳

نیاز پیدا می‌شود که دستیابی به این همه نشانه اضافی، آن‌هم در شرایطی که برای این کار چندان سستی وجود نداشته است، بی‌نهایت دشوار خواهد بود. از این‌رو، برای سهولت کار و دسترسی آسان‌تر پژوهشگران در معادل آوانویسی‌ها زبان‌شناسان، جداول آوانویسی ساده‌تری را نوشته‌اند که دسترسی و استفاده از آن برای مقالات مربوط به علوم انسانی کاربردی‌تر است.

#### مقایسه دو جدول برگردان آوایی

با توجه به مطالبی که نوشته شد، نیاز به پیروی از یک جدول برگردان آوایی در فصلنامه‌ها و وبگاه‌های تخصصی - موضوعی در حوزه فرهنگ مردم ضروری می‌نماید؛ بویژه آنکه این جدول از شیوه‌ای یکنواخت، صحیح و علمی پیروی نماید. دلیل اینکه تأکید بر یکنواختی، صحیح و علمی بودن جدول می‌شود آن است که جدول‌های آوانگاری برخی نشریات فاقد یکنواختی و از نظر صحت، بعضاً دارای نقص و کاستی‌هایی هستند. برای نمونه، جدول آوانگاری دو نشریه با وجود آنکه سال‌هاست مقالات نویسندگان این نشریه بر اساس آوانگاری آن نوشته می‌شود، در ذیل آورده شده است و به نکاتی اشاره می‌شود:

#### جدول برگردان آوایی فصلنامه «فرهنگ مردم ایران» (نمونه اول)

مثال		واک‌ها		
ابر	abr	اَ	=	a
آب	âb	آ	=	â
اُردو	ordu	اُ	=	o
او (سوّم شخص)	U	اُو	=	u
اسم	esm	اِ	=	e
ایل	il	ای (ئی)	=	i

مثال		همخوان		مثال		همخوان	
فیل	fil	ف =	f	بز	boz	ب =	b
قورباغه	qurbâqe	ق + غ =	q	پر	par	پ =	p
کار	kâr	ک =	k	تر	tar	ت + ط =	t
گرم	garm	گ =	g	سر	sar	س + ث + ص =	s
لال	lâl	ل =	l	جان	jân	ج =	j
مو	mu	م =	m	چون	un	چ =	
نان	nân	ن =	n	خون	xun	خ =	x
ورد	verd	و =	v	ذر	dar	د =	d
حال / هار	hâl,hâr	ح + ه =	h	روز	ruz	ر =	r
یار	yâr	ی =	y	زور	zur	ز + ذ + ض + ظ =	z
مما	mo?amâ	ع + ع =	?	ژاله	žâle	ژ =	ž

(منبع: فصلنامه فرهنگ مردم ایران، ص ۴، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۹۰)

همان‌طور که مشاهده می‌شود تلفظ (أو) ترکی که با نماد «ü» مشخص می‌شود، در این جدول مشخص نیست و تنها نماد «u» که برای واکه (او) سوم شخص به کار می‌رود، آمده است. همچنین برای همخوان‌های (ء + ع) از علامت «?» استفاده شده است که صحیح آن نماد سوال بدون نقطه در زیر آن و یا نماد «ü» است. به دلیل آنکه در بخش symbols نرم‌افزار word علامت سوال بدون نقطه موجود نیست؛ بهتر است از این علامت مشابه استفاده شود. همچنین برای مصوت (ای: مثل عید) لازم است از نماد «ey» استفاده گردد.

ضرورت معرفی و درج جدول نشانه‌های آوایی در فصلنامه حوزه فرهنگ مردم ❖ ۱۵۵

جدول برگردان آوایی فصلنامه «انسان‌شناسی» (نمونه دوم)

نظام آوانگاری مجله انسان‌شناسی							
صامت‌ها				مصوت‌ها			
ع، ع	t	ر	ʔ	گویر	هم‌چون دروازه	ای	i
پ	b	ز	ʒ	او	»	او	ū
پ	p	ش	ʂ	کام	»	ا	ā
ت، ط	t	غ، ق	q	صدا	»	ا	e
ث، س، ص	s	ف	f	بُلبُل	»	او	o
ج	ʒ	ک	k	کم	»	آ	a
چ	č	گ	g	روزنه	»	او	ow
ح، ه	h	ل	l	شیدا	»	ای	ey
خ	x	م	m	میان	»	ای	iy
د	d	ن	n				
ذ، ز، ض، ظ	z	و	v				
		ک	ɣ				

(منبع: مجله انسان‌شناسی، ص ۱۸۷، بهار و تابستان ۱۳۸۹)

در این جدول صامت (ز) در کنار نماد «ž» آمده است که باید در مقابل صامت (ژ) قرار گیرد (البته به نظر می‌رسد که این اشتباه تاپیی است چون صامت‌های (ذ، ز، ض، ظ) کنار نماد «Z» قرار دارد، همانطور که (د) در همین ردیف به دلیل غلط تاپیی به جای (ذ) نوشته شده است).

معمولاً در این جداول صداهای (آ، آ) کوتاه و (آ) کشیده با سه واکه «ā, a» و «» نشان داده شده که در این جدول (آ) برای نشانه «» است. بنابراین برای نماد «â» صامتی لحاظ نشده است.

همچنین (او) کشیده «ü» که در اصوات زبان آذری وجود دارد، در این جدول مشاهده نمی‌شود و مصوت (او) با نماد «ŭ» مشخص شده است. به نظر می‌رسد که از دو نشانه «u» و «ü» باید برای اولی مصوت (او) و برای دومی به عنوان (او: زبان آذری) استفاده شود.

۱۵۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

اکتفا به همین نمونه‌ها نشان می‌دهد که نشانه‌های درج‌شده در جدول این دو فصلنامه وحدت ندارند و در مواردی با یکدیگر متفاوت‌اند.

**جمع‌بندی**

در زبان فارسی ۲۹ واج وجود دارد که به دو دسته واکه (۶ واج) و همخوان (۲۳ واج) تقسیم می‌شوند. مصوت‌ها شامل /-، /-، /-، /- و /آ، /ای، /او و او/؛ صامت‌ها شامل /ء و ع، /ب، /پ، /ت و ط، /ث، /س و ص، /ج، /چ، /ح و ه، /خ، /د، /ذ، /ز، /ض و ظ، /ر، /ژ، /ش، /غ و ق، /ف، /ک، /گ، /ل، /م، /ن، /و، /ی/ است. (کمالی‌پناه، ۱۳۸۲: ۵۸)

جدول برگردان‌آوایی شامل هر دو دسته مصوت‌ها و صامت‌هاست، اما هر جدول با توجه به نوع استفاده آن ویژگی‌های خود را داراست؛ چنانچه در یک جدول برگردان‌آوایی برای مطالب گویش‌شناسی به اقتضای آن زبان یا گویش از مصوت‌های بیشتری استفاده می‌شود. برای مثال در کتاب فرهنگ سمنانی (نک: پناهی سمنانی، ۱۳۶۶)، روش‌های آوانویسی پروفیسور آرتور کریستین‌سن<sup>۱</sup>، ژرژ مرگن استیرنه<sup>۲</sup> و منوچهر ستوده، مورد بررسی قرار گرفته و از میان آنها، نشانه‌های انتخابی منوچهر ستوده انتخاب شده است. در این کتاب، مصوت سمنانی با ۹ نشانه نمایانده شده و درباره حروف صامت که مشکلی ایجاد نمی‌کند، از همان نشانه‌های قراردادی که در کلیه کتاب‌های مربوط به گویش‌های محلی به کار رفته، استفاده شده است (همان: ۳۰ و ۲۹). نمونه‌های دیگری از این دست را در کتاب‌های مربوط به گویش، مانند گنجینه گویش‌شناسی فارس (نک: سلامی، ۱۳۹۰-۱۳۸۳) می‌توان یافت.

بنابراین در مورد مطالب و مقالات غیرزبانی و گویشی همان‌طور که اشاره شد برای سهولت و دسترسی آسانتر پژوهشگران در معادل آوانویسی‌ها، زبان‌شناسان جداول

- 
1. A. Christensen
  2. G. Morgenstierne



## ضرورت معرفی و درج جدول نشانه‌های آوایی در فصلنامه حوزه فرهنگ مردم ❖ ۱۵۷

برگردان آوایی ساده‌تری را نوشته‌اند که دسترسی و استفاده از آن برای مقالات مربوط به علوم انسانی کاربردی‌تر است. از این رو، به نظر می‌رسد برای یکسان‌سازی و انتخاب یک جدول برگردان آوایی به عنوان جدول معیار که مورد قبول دست‌اندرکاران فصلنامه‌های جغرافیایی، فرهنگی، مردم‌شناسی، فرهنگ‌مردمی، عشایری و برخی دیگر از مجلات موضوعی و تخصصی باشد، صاحب‌نظران زبان‌شناس در کنار مسئولان این فصلنامه‌ها می‌توانند با اجماع خود، جدولی را پدید آورند و در ابتدای فصلنامه‌های خود قرار دهند تا نویسندگان مقالات با استفاده از این جدول، آوانگاری اسامی خاص، محلی، واژه‌های گویشی، جاینام‌ها و... را در مقالات خود بنویسند تا خوانندگان نیز هنگام مطالعه، واژه‌های خاص و بومی را، به صورت صحیح تلفظ کنند.

### منابع

- پرمون، یدالله (۱۳۸۵). طرح ملی اطلس زبانی ایران. کتابچه جامع تدوین اطلس (مستندسازی، پایگاه داده‌ها، نقشه). ناشر: پژوهشکده زبان و گویش، سازمان میراث فرهنگی و صنایع گردشگری.
- پناهی سمنانی، محمد (۱۳۶۶). فرهنگ سمنانی (شرح حال و نمونه آثار محلی شاعران در گویش سمنانی). ناشر: مؤلف.
- جلالی، عباس (۱۳۷۹). «ضرورت آوانگاری در جغرافیا»، مجله رشد آموزش جغرافیا، س ۱۵، ش ۵۶.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۵۶). آوانویسی. تهران: آگاه.
- دیهم، گیتی (۱۳۷۹). فرهنگ آوایی فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- سلامی، عبدالنبی (۱۳۹۰-۱۳۸۳). گنجینه گویش‌شناسی فارس. شش دفتر. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- صدیق‌بهبادی، ماندانا (۱۳۷۵). «زبان فارسی در تبادل اطلاعات کتاب‌شناختی». فصلنامه نامه فرهنگستان، ش ۸.

کمالی پناه (پزش)، غلامرضا (۱۳۸۲). «تأملی در واج»، مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی. ش ۶۷. تهران: وزارت آموزش و پرورش؛ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

محمدزاده صدیق، حسین (۱۳۵۴). گفتارهایی پیرامون مسائل زبان‌شناسی ایران. تهران: بامداد.

مک‌موان، کی.سی، ام و فیوج، اریک (۱۳۷۳). آواشناسی و واج‌شناسی. ترجمه محمد فائز و جواد نصرتی‌نیا. تهران: روایت.

میرعمادی، سیدعلی (به کوشش) (۱۳۷۳). مجموعه مقالات دومین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

**International Organization for Standardization. General Principles for the Conversion of One Written Language into Another. Revised Version.** Introductory Note on the General Principles of Transliteration first published in Iso / Rq (1954).

**The Encyclopedia of Language and Linguistics**, Chief editor, Asher (1994). S. V. "Phonetic Transcription: History".